



اشارات بنیاد فریبگ ایران

شماره ۱۱۰

عالم آرای صفوی

از مؤلفی ناشناخته

به کوشش

یدالله شکری

کتاب عالم آرای صفوی اثری ارجمند است که با شیوه ای بسیار ساده و بی‌پیرایه ، به زبان محاوره ، و عبارات و اصطلاحاتی که نغالان بر زبان می‌آوردند نگارش یافته است . مؤلف کتاب شناخته نیست ، اما از قرائن متن کتاب استنباط می‌توان کرد که وی از طبقه عوام شیعه ، و از پیروان و ارادتمندان دودمان شیخ صفی بوده ، و چنین می‌نماید که از مردم آذربایجان یا یکی از شهرهای شمال ایران بوده یا مدتی دراز در آنجا می‌زیسته‌است . صاحب اثر در آغاز کتاب، از احوال اجداد شاه اسماعیل و سلسله نسب وی سخن گفته و از آن پس به تفصیل بیشتر به ذکر مجاهدات و جنگها و جانبازیهای شاه اسماعیل و معرکه آرائی‌های سران قزلباش و سرداران و سپاهیان شاه پرداخته، ضمناً به مناسبت در باب خانان ترکستان و پادشاهان عثمانی و تیموری خبرهای بدیع و اشارات لطیف آورده است .

مصحح دانشمند کتاب را اعتماد براینست که : «کمتر کتابی می‌توان یافت که مانند کتاب عالم آرای صفوی ، در بیان مجاهدات و فداکاریها و از جان گذشتگی‌ها و اخلاق و عادات و باورهای مؤسس سلسله صفوی باشد ، ، و خواننده هنگامی که فرمانبرداری محض و همراه به شادمانی و سرخوشی بزرگان و افراد قزلباش را نسبت به شاه ، مطالعه می‌کند ، تداعی معانی را به یاد صدر اسلام و نفوذ فرمانها، و تأثیر اندیشه‌های حضرت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله ، در صحابه و دیگر مسلمانان و جنگاوران عرب می‌افتد .

در این کتاب جا به جا دل‌آورها، قهرمانی‌ها، فداکاری‌ها و جانبازی‌های گروه بسیاری

از بزرگان قزلباش چون : نجم زرگر رشتی ، نجم ثانی ، خان محمد خان استجلو و برادرش قرآخان ، حسام بیگ و پدرش بیرام خان قرمانلو ، و بسیار کسان دیگر که اگر آنان نبودند و چنین جانبازیها نمی کردند ، دولت صفوی چندان عظمت و دوام نمی یافت ، به شرح آمده و نیز داستانهای لطیف و دلنشین و عبرت انگیزی در وصف دلیری و سیاست و حسن تدبیر برخی از زنان بزرگ آن زمان چون : خدیجه بیگم همسر سلطان حسین بایقرا ، مقبله خانم همسر شاهی بیگ خان ، و تاجلو بیگم درمیان آمده است .

از خوبیهای دیگر کتاب عالم آرای صفوی این است که خواننده از این جهت که مؤلف جا به جا وقایع تاریخی را به شاخ و برگهای توصیفی و هنرنماییهای عیارانه پهلوانان قزلباش آمیخته از خوانندش دلگیر و ملول نمی شود ؛ و گرچه به کار شدن این شیوه مؤلف را در برخی موارد از مسیر حقیقی وقایع دور کرده و به بی راهه کشانده ، اما این عیب چندان بزرگ نمی نماید و از ارزش کتاب به مقدار زیاد نمی کاهد .

یکی دیگر از محاسن در خور یادآوری کتاب اینست که با اینکه مؤلف از ارادتمندان و سرسپردگان صدیق و راستین دربار بوده از بکار بردن عناوین و القاب دراز دامن و ملال انگیز که خاصه در آن عصر مرسوم و معمول مؤلفان بوده و بدین رسم تفاخر می کرده اند به حد پرهیز نموده حتی درباره شاه اسماعیل قهرمان کتاب ، این شیوه پسندیده را مراعات کرده است .

در این کتاب دلپسند همچنانکه جای جای به اقتضای مقام و موقع از آداب و رسوم و باورهای طبقات مختلف مردم سخن درمیان آمده به القاب و عناوین درباری و پیوستگان حکومتی چون : خانی ، بیگلربیگی ، مین باشی ، قورچی ، یوزباشی ، دیوان بیگی ، - و آئینهای پهلوانان و بسیار دقائق دیگر اشارت شده ، و این همه بی گمان از لحاظ جامعه شناسی و مطالعه در باره مردم آن زمان و شناختن قشرهای اجتماعی متداول آن روزگاران رهنمایی صادق است . مثلاً در آن زمان اگر زیر دستی امان یافته زبردستی می شد رسم بر این بود که از زیر طناب خیمه سرور بختیار بگذرد ؛ چون امان یافته ماست ، از زیر طناب خیمه خانی بگذرد و مارا کرش کند . رفتند بساولان و گفتند : امر خان است که جهانگیر میرزا بیاید ؛ مارا دیده ، ما اورا ببینیم و از زیر طناب خیمه ما چون امان دادگان بگذرد . « صفحه ۲۶۸ و شمشیر زنان مغلوب بر گشته بخت ، به امید پذیرفته شدن عذر گناه ، و رهایی از مکافات ، شمشیر خویش را به گردن می آویختند ؛ « کیا امیر علی شمشیر در گردن انداخته به درگاه شاه آمد ، با سران سپاه خود ؛ و شاه او را بخشید . « صفحه ۹۵ و ۱۰۷ و ۱۱۰ و بسیار جاهای دیگر .

و میانجی گران به هنگام شفاعت کردن ، سر برهنه می کردند ؛ « حسین بیگ لله را گفتند که مگر تو التماس کنی . او گفت من آن جگر ندارم و می دانم مرا خفیف خواهد کرد و هر کدام را که گفتند همین جواب دادند و بابر پادشاه را خبر کردند . وقتی رسید که ریسمان به گردنش انداخته و رفتند که کرسی از زیر پایش بیرون بکشند که بابر پادشاه رسید . گفت ای نواب به سر عزیز مرشد کامل ترا قسم می دهم که مرا شرمنده مکنی تقصیر این

پیرمرد را به بنده ببخشی . چون دید که بابر پادشاه سر برهنه کرده ، شرمنده شد . « صفحه ۳۶۸ و نیز ۳۸۰ - ۴۰۸ و ۴۴۳ و . . . »

افزون بر این خبرها و فایده ها ، در این اثر شیرین بعضی لغات و ترکیبات لطیف وجود دارد که درخور امان نظر است . از این نمونه است : ایست کردن (صفحه ۵۲۱) به معنی درنگ کردن ، ایستادن - بدنستن (۳۴۰) : ایجاد رمیدگی و آزرده گی - بی دماغ (صفحه ۵۷۹) : خاطر آزرده ، افسرده ، دژم - بی دماغ شدن (صفحه ۵۴۱) : افکارشدن ، آزرده خاطر شدن (ضد تردماغ شدن) - بی دهنی (صفحه ۴۰۲) : بی عرضگی ، عدم لیاقت - پاددرازی (صفحه ۱۵۳) : هم معنی و مترادف دست درازی - پکانیدن (صفحه ۶۷ ، ۱۳۵) : آراستن ، آرایش کردن ، زیور کردن ، زینت دادن - توجیه کردن (صفحه ۲۷۴) : سرشکن کردن مال و جریمه - جلدو (صفحه ۱۵۱) : جایزه - جان درازی (صفحه ۱۷۷) : درازی عمر - دوخواستن (صفحه ۲۷۴) : داوطلب شدن ، آماده شدن - روپاک (۱۳۴) : دستمال ، روسری - روز خون (صفحه ۱۹۷) : مقابل شبخون - ریش داشتن (صفحه ۲۱۹) : عرضه و جوهر ولیاقت داشتن - طبع آزمایشی (صفحه ۱۳۹) : جويا شدن عقیده و نظر کسی رادر بارة کاری و امری - کوفت (صفحه ۱۷) آسیب ، صدمه ، کسالت - کوفناک (صفحه ۱۸۳) : خسته و درمانده .

کتاب عالم آرای صفوی را دانشمند ارجمند آقای یدالله شکری از روی دونسخه خطی متعلق به کتاب خانه آقای دکتر حسین مفتاح تصحیح فرموده است . (علاوه بر نسخه هایی که در این کتاب بدانها استناد و اشاره شده تحریرهای دیگری نیز از این اثر موجود است . از جمله دونسخه یکی بی نام و دیگری به نام مرشد نامه که در کتابخانه مجلس شورای ملی مضبوط است .) مجموعاً ۷۴۴ صفحه دارد که از این مقدار ۶۰۲ صفحه متن ، ۵۵ صفحه مقدمه و ۸۶ صفحه حواشی و توضیحات و استدراکات و تصحیحات و فهرست هاست و امثال و حکم و لغات و ترکیباتی که در آخر کتاب آمده .

سخن کوتاه ، این کتاب که در سال ۱۰۸۶ تألیف یافته و کارنامه دوران کشورستانی و کشورداری و نامه حماسی شاه اسماعیل ، شهریار با آوازه صفوی است براسستی اثری ارزشمند است و برای دانش پژوهان و محققان مأخذی دقیق و امین و اصیل تواند بود .



مجموعه مقالات حماس اقبال آشتیانی

کتاب فروشی خیام چند سال پیش پنج دوره مجله یادگار را بطور افاست تجدید چاپ کرد و خوب کرد. اکنون مجموعه مقالات مرحوم اقبال را که استاد دکتر محمد دبیرسیاقی فراهم آورده بدسترس اهل ادب می گذارد.

در درستی و لطف و شیرینی آثار مرحوم اقبال هر چه بگویند و بنویسند حق سخن را نمی توان ادا کرد. هم ثنا گفتن ز ما ترك نفاست.

این مجموعه مشتمل بر یکصد و یک مقاله است در یک هزار و دوازده صفحه با چاپ و کاغذ و صحافی خوب به قیمت شصت تومان، و لازم است در کتابخانه های عمومی و خصوصی جهان نسخه ای از آن باشد.

مجموع اشعار اقبال و چند مقاله این کتاب از مجله نیما اقتباس شده - مقاله ای دیگر از مرحوم اقبال در سال ۱۳۲۷ مجله است که چون خودش اجازه نداد نامش در سر لوحه آن نیست (در فهرست همان مجلد هست).

مقدمه ای هم بر رساله شرح حال نیما نوشته که در این مجموعه نیست و همچنین بعضی از مقالاتی که در مجله دانشکده نوشته.

خداوند تالی اقبال را غریب رحمت کناد و دکتر دبیرسیاقی را موفق داراد و کتابخانه خیام را ازین پیش رونق دهد.

سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان

تألیف رکن الدین همایون فرخ

این کتاب عظیم متضمن مطالبی تازه و بدیع است که با پژوهش و کنجکاو و مطالعه و تحقیقات ممتد مؤلف دانشمند فراهم آمده، و نویسنده موشکاف حق ایرانی و نژاد آریائی را در پیدایش و ابداع خط با شواهدی متین مسلم داشته است.

اعتراف باید کرد که تألیف چنین کتابی بی نظیر در موضوعی بی سابقه در نهد صفحه بزرگ با تحقیقاتی دقیق، کاری سهل و ساده نیست و مؤلف را باید معلوماتی عمیق و مطالعاتی ممتد باشد تا چنین خدمتی ادبی و ملی را بشایستگی بپایان برد.

باید اشاره کرد که این اثر ارجمند به مناسبت جشن با شکوه دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران انتشار یافته است.

دانشمند محقق رکن الدین همایون فرخ را از انتشار چنین اثری دیرپای تبریک باید گفت.

یکساعت از ۲۴ ساعت

متضمن داستان های است به سبک بدیع از کاظم سادات اشکوری، که آن جناب از نویسندگان و منتقدین جوان است با آتیه ای بسیار روشن در فن نویسندگی.